

Factors Affecting Relationship Stability and Satisfaction in the Couples Compromising After Applying for Divorce: A Phenomenological Study

Samaneh Khazaei* 

Assistant Professor, Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran

Received: 06/05/2023 Revised: 11/17/2023 Approved: 12/25/2023

Abstract

Background: Couples who are able to compromise again after applying for divorce may have a fragile relationship; therefore, it is necessary to increase the stability and satisfaction of the relationship by identifying the influencing factors.

Aim: the present qualitative study was conducted to investigate the factors affecting the marital stability and satisfaction of couples who compromise after asking for divorce.

Method: The research method was qualitative and phenomenological. The population included all couples who compromised after asking for divorce in Birjand City, and referred to Rah-e-No Counseling Center from 2017 to 2022. Based on the criteria already determined, 7 couples (14 people) were selected via purposive sampling and subjected to semi-structured interviews. It should be noted that the process of selecting samples continued up to theoretical saturation. The obtained data were analyzed using Colaizzi's method and MAXQDA software. Data coding was done using an open, axial, and selective method.

Results: The analysis of participants' experiences revealed 16 sub-themes and 5 main themes, including individual characteristics, interactive/communicative characteristics, family factors, socio-cultural factors and commitment to values.

Conclusions: Therefore, it can be concluded that a set of individual, interpersonal, and social factors influence the stability and satisfaction of couples who have compromised after applying for divorce.

Keywords: *marital stability, marital satisfaction, compromise, divorce*

* **Corresponding:** Samaneh Khazaei, s.khazaei@birjand.ac.ir


- **Article type:** research article

- **Article APA Reference**

Khazaei, S. (2023). Factors affecting relationship stability and satisfaction in the couples compromising after applying for divorce: A phenomenological study. *Qualitative Research in Behavioral Sciences*, 2(2), 27-42
<https://doi.org/10.22077/QRBS.2024.7256.1028>

عوامل موثر بر پایداری رابطه و رضایتمندی زوجین سازش یافته بعد از تقاضای طلاق:

مطالعه پدیدارشناختی

سمانه خزاعی* 

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵ تجدیدنظر: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

چکیده

زمینه: زوج‌هایی که بعد از تقاضای طلاق بتوانند مجدداً به سازگاری برسند، ممکن است رابطه متزلزلی داشته باشند که نیاز است با شناسایی و تقویت عوامل موثر بر رابطه، ثبات و رضایت از رابطه را بالا برد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی کیفی عوامل موثر بر پایداری رابطه و رضایتمندی زوجین سازش یافته بعد از تقاضای طلاق انجام شد.

روش: روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. جامعه پژوهش، شامل کلیه زوج‌های سازش یافته بعد از تقاضای طلاق شهر بیرجند از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ و مراجعه کننده به مرکز مشاوره راه نو بودند. بر اساس ملاک‌های ورود به پژوهش، ۷ زوج (۱۴ نفر) به صورت هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. فرایند انتخاب نمونه‌ها تا مرحله اشباع نظری پیش رفت. داده‌های به دست آمده توسط روش کولایزی و نرم‌افزار مکس کیودا مورد تحلیل قرار گرفتند. کدگذاری داده‌ها به صورت باز، محوری و انتخابی انجام شد.

یافته‌ها: در تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان ۱۶ مضمون فرعی و ۵ درون‌مایه اصلی شامل ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی، عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی-اجتماعی و پایبندی به ارزش‌ها شناسایی شد.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه‌ای از عوامل فردی، بین‌فردی و اجتماعی در پایداری و رضایت زوج‌های سازش یافته بعد از درخواست طلاق اثرگذار است.

کلید واژه‌ها: پایداری زناشویی، رضایت زناشویی، سازگاری، طلاق

* نویسنده مسئول مکاتبه: سمانه خزاعی، s.khazaei@birjand.ac.ir

– نوع مقاله: پژوهشی

– ارجاع APA مقاله

خزاعی، سمانه (۱۴۰۲). عوامل موثر بر پایداری رابطه و رضایتمندی زوجین سازش یافته بعد از تقاضای طلاق: مطالعه پدیدارشناختی. پژوهش‌های کیفی در علوم رفتاری، ۲(۲)، ۲۷-۴۲.

<https://doi.org/10.22077/QRBS.2024.7256.1028>

خزاعی، س. (۱۴۰۲). عوامل موثر بر پایداری رابطه و رضایتمندی زوجین سازش یافته بعد از تقاضای طلاق: مطالعه پدیدارشناختی. پژوهش‌های کیفی در علوم رفتاری، ۲(۲)، ۲۷-۴۲.

<https://doi.org/10.22077/QRBS.2024.7256.1028>

مقدمه

ازدواج و برقراری رابطه زناشویی یکی از محوری‌ترین روابط میان‌فردی است که اکثر افراد بزرگسال آن را تجربه کرده‌اند. در حقیقت، برای خیلی از افراد که سن بلوغ را پشت سر گذاشته‌اند و معمولاً در دوران جوانی قرار دارند، تجربه ازدواج مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تجربه آن‌ها است (Hinkelman, 2022). ازدواج یک تعهد قانونی، مذهبی و اخلاقی است که زن و شوهر نسبت به همدیگر اعطا می‌کنند تا بتوانند با همدیگر رابطه زناشویی و زندگی مشترک داشته باشند. با این حال، این تعهد همیشگی نیست و ممکن است شکسته شده و به طلاق منجر شود (Salimi et al., 2019). طلاق را می‌توان مهم‌ترین عامل از هم‌گسیختگی روابط زناشویی و در نتیجه خانواده‌ها دانست (Yoo & Joo, 2022). گزارش‌های رسانه‌ای امروزی در مورد طلاق، این برداشت را القا می‌کند که طلاق، یک پدیده جدید و مدرن است؛ در حالی که قدمت این پدیده به اندازه ازدواج است. با وجود این قدمت، روش‌های طلاق تغییر یافته است (Huang & Ma, 2024). در ابتدا طلاق، یک تصمیم مشخص بود که به وسیله افراد گرفته می‌شد و مذهب یا قانون در آن دخالتی نداشت، اما با گسترش مسیحیت، کلیسا کنترل ازدواج و طلاق را به دست گرفت. امروزه، طلاق حقیقتی است که تقریباً در همه کشورهای جهان وجود دارد. جایگاه طلاق در کشورها بسته به باورهای رایج مذهبی و سن اجتماعی متفاوت است (Rotz, 2015). با وجود این، مقررات طلاق یا جدایی فراگیر است و از دهه ۱۹۵۰، نرخ طلاق در همه کشورهای صنعتی افزایش یافته است (Salvatore et al., 2024). در ایران نیز، این پدیده به شکل جدی وجود دارد، بر اساس آمار منتشر شده در ایران، تعداد ۹۹۸۵۲ طلاق در سال ۱۳۸۶ و تعداد ۱۷۴۵۷۸ در سال ۱۳۹۶ ثبت شده است. این در حالی است که نسبت ازدواج به طلاق در سال ۱۳۸۶ برابر با ۸/۴ بوده که در فاصله حدوداً ۱۰ سال، یعنی در سال ۱۳۹۶ این میزان به ۳/۴ درصد رسیده است؛ تقریباً از هر ۸ ازدواج یک طلاق در سال ۱۳۸۶، به میزان از هر ۳ ازدواج یک طلاق در سال ۱۳۹۶ رسیده است (Salimi et al., 2019). مطابق آمار سال ۱۳۹۶، میزان طلاق نسبت به سال ۱۳۹۵، به میزان ۱/۵ درصد افزایش داشته و همین‌طور تا سال ۱۴۰۰ آمارها نشان از سرعت افزایش طلاق نسبت به ازدواج دارد (Imanzadeh et al., 2021).

ازدواج تصمیم‌گیری و انتخابی ظریف و پیچیده است که قبل از هرگونه اقدامی باید تمام جوانب آن را در نظر گرفت؛ چراکه در صورت انتخاب درست می‌تواند زندگی انسان را سرشار از لذت و شیرینی سازد و در صورت عدم انتخاب درست ممکن است، زندگی فرد بسیار تلخ و دردمند شود (Tumin, 2017). رابطه زناشویی نیز مانند هر رابطه دیگری، به تعادل و هماهنگی بین عوامل مختلف نیاز دارد. اگر این تعادل و هماهنگی مختل شود، رابطه زناشویی ممکن است به طلاق بی‌انجام (Dutta et al., 2024). طلاق نیز پدیده‌ای است که در تمام فرهنگ‌ها و جوامع رخ می‌دهد و عواقب منفی زیادی برای افراد، خانواده‌ها و جامعه دارد. طلاق می‌تواند منجر به افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های روان‌پزشکی و جسمانی، کاهش سطح درآمد، افزایش خشونت خانگی و جنسی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، جرم و فقر شود (Howell, 2023). روابط زن و شوهری پایدار و رضایت‌بخش، ویژگی‌های مثبت بسیاری نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورد. این روابط زن و شوهری، محیطی مساعد را برای کودکان فراهم می‌آورد و همچنین رشد و سلامت اعضای خانواده را ارتقاء می‌بخشد (Kahrizeh et al., 2020). به هر حال، تمامی افراد با انتظارات و اهداف خاصی وارد ازدواج می‌شوند و بر این باور هستند که ازدواج آن‌ها رضایت‌بخش و پایدار خواهد بود. هر کدام از طرفین، نیازها و خواسته‌هایی دارند که اگر ازدواج یا شریک‌شان، آن‌ها را برآورده نسازد، رابطه آن‌ها با خطر مواجه خواهد شد (Campbell et al., 2012). انتظار بر این است که اگر زوج‌ها از ازدواج خود راضی باشند، رابطه زناشویی آن‌ها با دوام و پایدار خواهد ماند؛ اما این حالت ایده‌آل برای تمامی زوج‌ها صدق نمی‌کند و ممکن است آن‌ها دارای درجاتی از رضایتمندی باشند. ممکن است یکی از آن‌ها رضایت داشته باشد، در حالی که دیگری از ازدواج خود رضایتی نداشته باشد یا ممکن است هر دو از ازدواج خود ناراضی باشند. ناراضی‌توانی از ازدواج گاهی می‌تواند به طلاق منجر شود و گاهی هم می‌تواند با پایداری رابطه همراه شود (Salimi et al., 2019). این وضعیت نشان می‌دهد که رضایت زناشویی (marital satisfaction) و ثبات یا پایداری زناشویی (marital stability)، دو مفهوم جدا از هم و اما مرتبط با هم هستند. در این میان، پایداری زناشویی اشاره به حالتی دارد که در آن زوج، در کنار همدیگر زندگی می‌کنند و به دنبال جدایی از یکدیگر نیستند (Slatcher & Schoebi, 2017). در مقابل، رضایت زناشویی بیانگر نوعی ارزشیابی و احساس فرد در مورد جنبه‌های مختلف رابطه و چگونگی آن است (Bashirgonbadi et al., 2021). رضایت و ثبات ممکن است با همدیگر همبستگی داشته باشند اما ممکن است برخی عوامل باعث ثبات رابطه شوند ولی تأثیری روی رضایت نداشته باشند. از این‌رو می‌توان این دو مفهوم را از متغیرهای مهم رابطه زناشویی قلمداد کرد که بررسی عوامل اثرگذار بر هر دو، بسیار حائز اهمیت است (Salimi et al., 2019).

امروزه، پژوهش‌های زیادی به بررسی عوامل مؤثر بر نارضایتی زناشویی و طلاق و همچنین عوامل مؤثر در رضایت و شادکامی زناشویی و ثبات ازدواج پرداخته‌اند و عوامل گوناگونی را بیان کرده‌اند (Hatami, 2001; Bachand & Caron, 2001; Miller et al., 2003).

کرده‌اند که مایه جدایی و ازهم‌پاشیدگی ازدواج‌ها هستند؛ اما بعداً گرایشی پیدا شد که پژوهش‌ها، به‌جای تمرکز بر عوامل مؤثر در جدایی و طلاق، بر روی ازدواج‌هایی که پایدار و رضایتمند مانده‌اند تمرکز کردند (Hatami Varzaneh et al., 2017). برای مثال، در زمینه عوامل منجر به نارضایتی و طلاق، Kuru Sönmez & Yakut (2024) عواملی چون مشکلات مالی، مشکلات جنسی، کمبود صمیمیت عاطفی، خشونت، کمبود تعهد، مشکلات مربوط به تصمیم‌گیری و فعالیت‌های اوقات فراغت را به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز نارضایتی و طلاق ذکر کرده‌اند. در مقابل، Bachand & Caron (2001) عواملی همچون دوستی و عشق، احترام و احساس قدردانی، اعتماد و وفاداری، ارتباط خوب، رابطه جنسی خوب، ارزش‌های مشترک، همکاری و حمایت متقابل، لذت بردن از زمان مشترک، توانایی انعطاف‌پذیری در هنگام مواجهه با تغییر، معنویت، باور به نهاد ازدواج، پیش‌فرض تداوم داشتن زندگی و Koraei et al. (2017) ویژگی‌های شخصی و مسئولیت‌پذیری، صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی، کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات، همخوانی زوج و انعطاف‌پذیری آن‌ها، تعهد و وفاداری، داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و همچنین مسائل شغلی و مالی را به‌عنوان عوامل رضایت‌بخشی و پایدارکننده ازدواج مطرح کرده‌اند.

فرض بنیادی در تحقیقاتی که از دیدگاه توانایی محور به مسائل خانواده می‌نگرند (مانند پژوهش درباره ازدواج‌های پایدار رضایت‌مند)، این است که احتمالاً زوج‌هایی با ازدواج پایدار رضایت‌مند، ویژگی‌ها و منابعی دارند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا روابطشان را در برابر فشارهای اجتناب‌ناپذیر زندگی به خوبی حفظ کنند (Billedo et al., 2020). Walsh (2006) خاطر نشان می‌سازد که با گسترش نگرانی‌ها از گسستگی پیوندهای خانوادگی، نیاز بیشتری به فهم فرایندهایی داریم که می‌تواند زوج‌ها و خانواده‌ها را در برابر چالش‌ها محافظت کند. از این رو گرایشی پیدا شد که پژوهش‌ها به‌جای عوامل منفی، بر روی عوامل مثبت متمرکز شدند تا عوامل ازدواج‌های شاد و پایدار را استخراج کنند. شناسایی عواملی که در ساختار ازدواج‌های موفق و رضایتمند نقش دارند و موجب احساس خوشبختی در ازدواج می‌شوند، می‌تواند منجر به کاهش آمار طلاق در جامعه شوند و به زوج‌ها در داشتن رابطه رضایت‌بخش و پایدار کمک کند. در این بین، بررسی این عوامل در زوج‌هایی که قبلاً دارای تعارض بوده‌اند، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که این زوج‌ها نه‌تنها توانسته‌اند مشکلات خود را حل کرده و به سازش دست یابند، بلکه یک گام به جلوتر حرکت کرده و پایداری و رضایت را نیز در زندگی به دست آورده‌اند. لذا در این بررسی، تلاش شد تا عوامل مؤثر در پایداری و رضایتمندی زوجین سازش‌یافته مورد بررسی قرار گیرد. این نتایج از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند راهکارهایی مؤثر جهت بهبود پایداری و رضایتمندی رابطه زوجین معرفی نماید.

روش

روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. پدیدارشناسی مطالعه فلسفی ساختارهای تجربه و آگاهی است. هدف مطالعه پدیدارشناختی، تبیین و شناسایی واضح پدیده‌ها است که توسط افراد در یک موقعیت خاص درک می‌شوند (Dowling, 2007; Wilson, 2015). جامعه آماری این پژوهش، کلیه زوج‌های سازش‌یافته بعد از تقاضای طلاق شهر بیرجند بودند. در این پژوهش، نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. فرآیند انتخاب نمونه تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدیدی در طول جمع‌آوری داده‌ها یافت نشد؛ به عبارت دیگر، داده‌ها اشباع شدند. ملاک‌های انتخاب نمونه‌ها شامل داشتن ثبات و رضایت زناشویی بر اساس مصاحبه روان‌شناختی، عدم ابتلا به مشکلات روان‌شناختی شدید، گذشت حداقل یکسال از سازش بعد از درخواست طلاق و نیز رضایت برای شرکت در پژوهش بود.

فرایند پژوهش به این صورت بود که پس از کسب مجوز انجام پژوهش، با زوج‌هایی که از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ به مرکز مشاوره راه نو شهر بیرجند (به‌عنوان مرکز مشاوره مجری طلاق تحت نظارت سازمان بهزیستی استان خراسان جنوبی) مراجعه کرده بودند و به سازش رسیده بودند تماس گرفته شد. پس از ذکر اهداف و شرایط شرکت در پژوهش و با تأکید بر داوطلبانه بودن و حفظ رازداری، با انجام مصاحبه تشخیصی، آن‌هایی که ملاک‌های ورود را داشتند برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. به موازات شروع مصاحبه، فرایند کدگذاری نیز انجام شد. بعد از انجام مصاحبه با ۵ زوج و انجام کدگذاری، نمونه‌ها مشابه به نظر می‌رسیدند که برای حصول اطمینان ۲ زوج دیگر نیز مورد مصاحبه قرار گرفتند و در مجموع با مصاحبه از ۷ زوج و رسیدن به اشباع نظری، فرایند نمونه‌گیری به اتمام رسید.

در این پژوهش، با توجه به ماهیت پدیده مورد مطالعه، روش هفت مرحله‌ای Colaizzi (1978) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها انتخاب شد. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش Colaizzi (1978) به شرح زیر است: ۱- ابتدا کلیه مصاحبه‌ها برای حصول درک کلی مورد مطالعه قرار گرفتند. ۲- عبارات و جملات مهم استخراج شد. ۳- جملات مهم بر اساس موضوع مرتب شده و معانی صورت‌بندی شد. ۴- معانی گردآوری شده در مضامین یا مقوله‌ها سازمان‌دهی شدند. ۵- برای هر یک از موضوعات یا مقوله‌ها توضیحاتی نوشته شد. ۶- مضامین

اصلی، ساختاریافته شدند. ۷- در نهایت برای اعتبارسنجی، از شرکت کنندگان خواسته شد که نظر خود را در مورد انطباق یافته‌ها با تجربیات خود بیان کنند. قابل ذکر است که کدگذاری مفاهیم، در سه بخش کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. کدگذاری باز شامل تجزیه، آزمون، مقایسه و مفهوم‌سازی داده‌هاست. در کدگذاری محوری، مفاهیم و مقولات استخراج شده در مرحله قبل، در ترکیبی جدید به همدیگر مرتبط می‌شوند. کدگذاری انتخابی که با اشباع نظری به پایان می‌رسد شامل دسته‌بندی اصلی، تأیید اعتبار و ربط دادن مقوله‌ها در چارچوب یک داستان است.

در پژوهش حاضر، برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. جهت تنظیم سؤالات مصاحبه و برای اطمینان از روایی محتوایی آن‌ها، ابتدا با جمع‌بندی نظرات ۴ تن از اساتید دانشگاه و فارغ‌التحصیلان دوره دکتری در رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی و همچنین کارشناسان آگاه به موضوع، به تهیه چهارچوب کلی مصاحبه نیمه ساختاریافته اقدام شد. در نهایت تعداد ۱۱ سؤال، بر مبنای نتایج مطالعه مقدماتی پژوهش و همچنین اطلاعات به دست آمده از مطالعه مبانی نظری و ادبیات مربوط به پایداری و رضایتمندی زوجین سازش‌یافته، تنظیم شد. محور اصلی سؤال‌های مصاحبه، در راستای شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری و رضایتمندی زوجین سازش‌یافته بود. مدت زمان هر مصاحبه با توجه به شرایط، وقت لازم، میزان تحمل و علاقه مشارکت‌کنندگان بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه انجام شد. تمام مصاحبه‌های انجام شده با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان به صورت صوتی و با استفاده از دستگاه MP3 ضبط گردید و سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی به دقت مصاحبه‌ها روی کاغذ پیاده شدند. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، از نام مستعار استفاده شده است. برای اطمینان از روایی و پایایی مطالعه از روش‌های مختلفی استفاده شد (Leung, 2015). جمع‌بندی با شرکت‌کنندگان، دقت در کدگذاری و طبقه‌بندی و نیز استفاده از ارزیاب خارجی به کار گرفته شد. مقوله‌ها و توضیحات همراه آن به شرکت‌کنندگان ارائه شد تا نشان دهند که تفسیر نتایج مشابه تفسیر آن‌ها است؛ در مواردی که مغایرت وجود داشت، مجدداً از فرد سؤال می‌شد و نتایج نهایی بر آن اساس اصلاح گردید. در فرایند کدگذاری همواره سعی شد تا بعد از مصاحبه، کدگذاری انجام شود و کدها با همدیگر مورد مقایسه و در صورت ناسازگاری، مورد اصلاح قرار گیرد. برای ارزیابی سازگاری درونی، از پایش بیرونی استفاده شد که در آن به پژوهشگری که با پژوهش مرتبط نبود، داده‌ها ارائه شد تا مشخص شود که آیا درک و نتیجه مشابهی دارد یا خیر؟ که نتیجه بررسی حاکی از هم عقیده بودن وی با پژوهشگر است. برای اینکه بتوانیم نظریه را تعمیم دهیم، سعی شد نمونه‌گیری با حداکثر تنوع انجام شود. جهت دسته‌بندی داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کننده‌های پژوهش، در جدول ۱ آمده است. به علت حفظ جنبه‌های رازداری و ملاحظات اخلاقی که در ابتدای مصاحبه با مشارکت‌کنندگان به بحث گذاشته شد، به جای اسم شرکت‌کنندگان از کد عددی استفاده شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی زوج‌های مشارکت‌کننده

شاخص‌ها	زوج اول	زوج دوم	زوج سوم	زوج چهارم	زوج پنجم	زوج ششم	زوج هفتم
سن مرد	۲۸	۶۰	۳۳	۴۸	۳۱	۶۰	۳۶
سن زن	۲۴	۶۰	۳۱	۳۷	۳۲	۵۴	۳۳
مدت ازدواج	۴	۳۵	۵	۲۰	۹	۳۴	۷
تعداد فرزند	۰	۳	۲	۱	۱	۳	۰

باتوجه به جدول شماره ۱، زوج‌ها از نظر سن، طول مدت ازدواج و تعداد فرزند پراکنده هستند. در تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان، ۱۶ مضمون فرعی و ۵ درون‌مایه اصلی ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی، عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی-اجتماعی و پایبندی به ارزش‌ها شناسایی شد. سعی شده تا در شناسایی و فهم هر مقوله، بخشی از مصاحبه‌های انجام شده عیناً نقل شود تا درک مفاهیم بهتر صورت گیرد. قابل ذکر است، کدهایی که بیش از ۱ فراوانی داشتند در مقابل آن مشخص شده است.

مضمون اول: ویژگی‌های فردی

بر اساس تجارب شرکت‌کنندگان، اولین و اصلی‌ترین مضمون شناسایی شده در زمینه سازش پایدار، ویژگی‌های فردی بوده است که به کرات توسط شرکت‌کنندگان مورد تأکید قرار گرفت. ویژگی‌های فردی مشتمل بر ۵ مضمون فرعی (شخصیت سازشگر، تعهدپذیری، پختگی

عاطفی-هیجان، پختگی شناختی و ادراک مشکلات بعد از طلاق) بود که در جریان تجزیه و تحلیل اظهارنظرهای مصاحبه‌شوندگان شناسایی شدند. مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده در جدول ۲ مشخص شده است.

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های مضمون اول (ویژگی‌های فردی)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
	شخصیت سازشگر	صبوری (۴)، مهربانی (۲)، سرسختی، دلسوزی، گذشت/بخشودگی، انعطاف‌پذیری، وجدان داشتن، مسئولیت‌پذیری، صداقت، شخصیت سالم (عدم اعتیاد زوج، عدم افسردگی و وسواس زوجه)، قناعت‌پیشگی
	تعهدپذیری	حمایت مالی از همسر، حمایت احساسی از همسر، تعهد به خانه‌داری و کدبانویی، تلاش زوجه/زوج برای ایجاد حال خوب، همراهی در زندگی، تلاش و سخت‌کوشی برای موفقیت، سخت‌کوش و پرتلاش، پایبندی به خانواده، ثابت‌قدم بودن در هر کاری، تکیه‌گاه بودن زوج، تلاش برای حل مشکلات، افزایش تعهد، پایبندی به قول‌ها و تعهدات
ویژگی‌های فردی	پختگی عاطفی-هیجانی	رازداری، کینه‌ای نبودن، اهل قهرهای طولانی نبودن، همدلی، تمایل به زندگی شاد و پر از هیجان، شوخ‌طبعی، عدم خشونت همسر، لجبازی نکردن، حمایت عاطفی، آستانه تحمل بالا، ابراز علاقه و هیجان، اجتناب از سرکوفت و تحقیر
	پختگی شناختی	مقایسه خوبی و بدی همسر (۲)، پذیرش خطا، قانع بودن، واقع‌بینی، شناخت کافی، اعتماد، رفع موانع بی‌اعتمادی، راه‌حل‌یابی و تفاهم در مورد مشکلات، عدم بدبینی
	ادراک مشکلات بعد از طلاق	آسیب به فرزندان (۲)، احساس عدم توانایی برای شروع مجدد زندگی، عدم توانایی نگهداری از بچه‌ها توسط هر کدام به تنهایی، وجود مشکلات مالی، لمس تجربه تلخ پس از جدایی والدین و خانواده، نگرانی از دوری از خانواده

شخصیت سازشگر/سازش‌جو: از اولین مضمون‌های فرعی ویژگی‌های فردی که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشتند، شخصیت سازشگر/سازش‌جو بود که در جریان تعارضات و بحران‌های زندگی، توانایی سازگاری بالایی دارد. از نظر آن‌ها یک فرد سازشگر باید ویژگی‌هایی از قبیل صبوری، مهربانی، دلسوزی، گذشت/بخشودگی، انعطاف‌پذیری، وجدان‌مندی، مسئولیت‌پذیری، صداقت، شخصیت بهنجار (عدم ابتلا به اختلال روان‌شناختی) و قناعت‌پیشگی را دارا باشد. برای مثال شرکت‌کننده شماره ۱ (زوجه) اظهار کرد "من اگر بخوام ویژگی‌های خودمو بگم درست هم نیست بگم اما خوب واقعا صبورم و درست هم نیست. اما واقعا مهربونم نه تنها خودم که بیشتر همه اطرافیانم می‌گن دلسوزم به شدت و همیشه پای زندگی دلسوزی کردم. نمی‌گم کار اشتباه نکردم چرا خیلی کارای اشتباه کردم و دلسوز بودم همین باعث شد با پسر عموم ازدواج کنم و اینا ... سرسختم و چیزایی که خودش می‌گه زیادی خوبی و مهربونی و صبوری و تحمل می‌کنی و این چیزا دیگه نمیدونم" همچنین شرکت‌کننده شماره ۴ (زوجه) بیان کرد "انعطاف‌پذیری بالایی دارم و بسیار باگذشتم و در نهایت قبول کردم برای حفظ زندگی از بخشی از آرزوهام بگذرم".

تعهدپذیری: دومین مضمون فرعی ویژگی‌های فردی، تعهدپذیری است که اغلب مصاحبه‌شوندگان به نوعی بر آن تأکید داشتند. با توجه به نظرات شرکت‌کنندگان، ویژگی تعهدپذیری برای سازش و پایداری آنان در زندگی زناشویی لازم و ضروری بود. از دیدگاه آن‌ها، یک همسر متعهد باید خصیصه‌های ذیل را داشته باشد؛ نسبت به همسر خود تا حد امکان تعهد مالی و عاطفی داشته باشد و از او حمایت کند، به وظایف و تکالیف خود متعهد باشد. برای مثال بعضی از آن‌ها اظهار داشتند که زوجه باید در امر خانه‌داری و کدبانویی ثابت‌قدم باشد، زوجه/زوج در جهت ایجاد حال خوب همسر تلاش کند، همدیگر را در امور زندگی همراهی کنند، زوج/زوجه جهت کسب موفقیت در زندگی کوشا باشد، در مراحل مختلف زندگی به اهمیت نقش همسر در زندگی وقوف داشته باشند، به خانواده و اعضای آن پایبندی باشند، در تکالیف و کارهایشان ثابت‌قدم باشند، برای همسر خود تکیه‌گاه و لنگر امن باشد، در راستای حل مشکلات کوشا و مثبت قدم باشند، در گذر زمان تعهدشان به خانواده افزایش یابد و به قول‌ها و تعهداتشان پایبند باشند. در این راستا شرکت‌کننده شماره ۵ (زوج) اظهار داشت "من معتقدم همین که دو نفر ما پا روی خواست خانواده‌هامون گذاشتیم چیزی که ممکن بود بعدها خیلی برای هر دوی ما بد شود باعث شد خیلی به هم اعتماد کنیم و بیشتر از نظر عاطفی به هم نزدیک بشیم. یادم هست خانواده همسرم او رو تهدید کرده بودند از ارث محروم خواهد شد ولی ایشون توجهی نکردند و پای تعهدمون موندند" همچنین شرکت‌کننده شماره ۷ (زوجه) بیان کردند "اول علاقه به همسرم و بعد تعهد همسرم به من باعث شد خجالت بکشم و به جورایی رفتار اون پسر که تا فهمید متاهلم به من گفت مشکل تو با همسرت حل کن...؟" مصاحبه‌شونده شماره ۳ (زوجه) بیان کرد "... یا اینکه سعی میکنم همپای شوهرم باشم حالا توی هر شرایطی چه از لحاظ مالی یا چه از لحاظ احساسی... سعی میکنم اون چیزی که شوهرم بخواد انجام بدم یا کنارش باشم از همه لحاظ..."

پختگی عاطفی-هیجانی: سومین مضمون فرعی ویژگی‌های فردی، پختگی عاطفی-هیجانی است که در گفتارهای مصاحبه‌شوندگان مشهود بود. از نظر آن‌ها، یک فرد برای سازش پایدار با همسرش باید به حدی از پختگی و بلوغ عاطفی رسیده باشد و توانایی مدیریت هیجان‌های خود را به هنگام تعارضات زناشویی و سایر بحران‌های زناشویی داشته باشد. از دیدگاه آن‌ها زوجی که به پختگی و بلوغ عاطفی رسیده باشد، دارای خصیصه‌هایی به شرح ذیل است؛ رازدار همسرش است و از او باج‌گیری نمی‌کند، کینه‌توز نیست و کینه‌ای از همسرش به دل نمی‌گیرد، اهل قهرهای طولانی نیست، با همسرش همدلی می‌کند، تمایل به خلق زندگی شاد و پر از هیجان دارد، شوخ‌طبعی سالم دارد، نسبت به همسرش خشونت نشان نمی‌دهد، از لجبازی به عنوان یک راهبرد کنار آمدن استفاده نمی‌کند، به لحاظ عاطفی از همسرش حمایت می‌کند، آستانه تحمل بالایی دارد و سریع خشمگین نمی‌شود، ابراز علاقه و هیجان از رفتارهای روزمره اوست و از سرکوفت و تحقیر کردن همسر خود اجتناب می‌کند. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۳ (زوج) بیان کرد "... و یکی هم اینکه من زیاد اهل قهر و آستی نیستم یعنی سر چیزی هم اگر با هم بحث کنیم از این قهرهای طولانی یا توقعات خیلی زیادی از شوهرم ندارم. وقتی قهر می‌کنم یا بحث می‌کنیم فقط اون قهر شاید ۵ دقیقه است و یا بعد از ۵ دقیقه من اصلاً یادم میره که ما بحث کردیم یا مشاجره‌ای بینمون بوده. فکر می‌کنم به این دلیل هست که یکم با هم کنار اومدیم". مصاحبه‌شونده شماره ۶ (زوج) بیان کرد "... خشم از خانواده همسر رو تونستم از عشق به همسرم جدا کنم و به حس خالص‌تری ازش برسیم..."

پختگی شناختی: چهارمین مضمون فرعی ویژگی‌های فردی، پختگی و بلوغ شناختی است. شرکت‌کنندگان در این مطالعه معتقد بودند، یک فرد جهت سازش پایدار در زندگی زناشویی باید به پختگی و بلوغ شناختی رسیده باشد. یعنی بتواند خطاها و اشتباهات خود را تشخیص داده و بپذیرد، برتری و مزیت‌ها همسر خود را بر دیگران بشناسد، رفتارهای مثبت و منفی همسر را بشناسد و فقط روی رفتاری منفی همسر تمرکز نکند، در جروبحث‌ها و چالش‌ها دلیل‌تراشی نکند و قانع شود، روی خود و همسر خود شناخت کافی داشته باشد، به همسر خود اعتماد کند و در صورت بی‌اعتمادی بتواند آن را حل و فصل نماید، به هنگام بروز مشکلات به دنبال راه‌حل باشد و از بدبینی به همسر و کل زندگی اجتناب کند. مشارکت‌کننده شماره ۳ (زوج) "... یه جورایی از هم شناخت داشتیم و فکر می‌کنم به این دلیل بود که اون بی‌اعتمادی بین ما نبود و خودشم میدونست دلیل ما بی‌اعتمادی نبود و خودشم میدونست تنها دلیلی که می‌خواستیم جدا بشم چون نمی‌تونستم خودمو راضی کنم که بخوام دوستش داشته باشم یا اینکه بخوام با کسی بخوام زندگی مشترک داشته باشم مشکل ما تنها به این دلیل بود اما وقتی حس کردم میتونم بهش اعتماد کنم و دوستش داشته باشم ادامه دادیم و این شد که تونستیم با هم سازش کنیم". همچنین مشارکت‌کننده شماره ۱ (زوج) اظهار داشت "... من یه چیزهایی دیدم از اون طرف که اومدم سبک سنگین کردم مقایسه کردم از همه نظر از نظر افکاری، اعتقادی و اخلاقی و دیدم امیر از همه لحاظ بهتره و اصلاً قابل مقایسه نیست با اون طرف و من اون طرف رو بیخود توی ذهنم بزرگ کردم..."

ادراک مشکلات بعد از طلاق: آخرین مضمون فرعی وابسته به ویژگی‌های فردی، ادراک مشکلات بعد از طلاق است. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه بیان داشتند که اگر فرد بتواند مشکلات زندگی بعد از طلاق را تصویرسازی کند و خود را جای افرادی که طلاق گرفته‌اند قرار دهد، به احتمال زیاد دنبال راه‌هایی به غیر از طلاق خواهد بود و در جهت ایجاد پذیرش و سازگاری بیشتر تلاش خواهد نمود. از نظر آن‌ها مشکلات زندگی پس از طلاق کمتر از مشکلات ماندن و سازش نیست. آن‌ها ابراز داشتند که توانایی شروع یک زندگی تازه را ندارند، نگهداری فرزندان به تنهایی از توانایی آن‌ها خارج است، مشکلات مالی بیشتری را تجربه خواهند کرد، فرزندانشان آسیب خواهند دید، جدایی از همسر باعث ایجاد فاصله با خانواده خودشان هم خواهد شد و اضطراب دوری از خانواده و عدم پذیرش از سمت اعضای خانواده را داشتند و همچنین تجارب تلخی را برای خود پیش‌بینی می‌کردند. شرکت‌کننده شماره ۱ (زوج) اظهار داشت "... مطمئن بودم که بعد از طلاق ضربه بدی می‌خورم و همراه شدنم با مشاور برای این بود که راه طلاق و تصمیم‌های بعدش برایم بهتر بشه بخصوص که ضربات مادرم (مطلقه) را دیده بودم و همین باعث شد تصمیم آگاهانه برایم بهتر بشه ...". شرکت‌کننده شماره ۳ (زوج) بیان کرد "من چون بچه اولم، بچه طلاق بود و از شوهرم جدا شدم و بعد از مدتی باباش فوت کرد و من ازدواج کردم. ولی چون بچه طلاق بود نخواستم این بچه دومم سختیای بچه اولم رو بکشم و بچه طلاق بشه یا اینکه سایه ناپدری روش باشه..."

مضمون دوم: ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی

براساس تجارب شرکت‌کنندگان، دومین مضمون شناسایی شده در زمینه سازش پایدار ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی که اغلب توسط شرکت‌کنندگان مورد تاکید قرار گرفت. ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی مشتمل بر ۴ مضمون فرعی (ارتباط سازنده، درک متقابل، پیوندجویی و قدرشناسی) بود که در جریان تجزیه و تحلیل اظهارنظرهای مصاحبه‌شوندگان شناسایی شدند (جدول ۳).

جدول ۳: مفاهیم و مقوله‌های مضمون دوم (ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
	ارتباط سازنده	رمانتیک بودن در رابطه، آغاز عاشقانه رابطه، رابطه خوب با همه به‌خصوص خانواده همسر، حس رفاقت بین زوجین، اهمیت ندادن به تنش‌ها به خاطر اهمیت دادن به یکدیگر، خارج شدن از رابطه سمی گذشته، علاقه‌مندی به تجربه‌های جدید، فضا دادن به یکدیگر، تلاش برای ایجاد ثبات قبل از فرزندآوری، کاهش فشار روانی زوج، کم کردن فشار کاری همسر، کنار آمدن با مشکلات وجود فرزند از ازدواج قبلی زوج، عدم موافقت زوجه با طلاق، احساس رضایت در طرفین، قطع رابطه با افرادی که در ارتباط مشکل سازند، حضور کافی همسر در منزل و کنار خانواده، ارتباط کلامی مناسب (۳)، اهمیت به علاقه‌مندی‌های زوجه از قبیل تحصیل، گرمی رابطه، احساس دیده شدن در رابطه، آرامش‌سازی در رابطه، همفکری، ایجاد حس کفایت در یکدیگر
ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی	درک متقابل	درک شرایط همسر، تلاش برای درک متقابل، وقت‌گذرانی با یکدیگر برای درک بهتر، گوش دادن به حرف‌های یکدیگر جهت درک یکدیگر، همدلی، همدردی، همذات‌پنداری، همراهی همسر در دوره بیماری طولانی مدت
	پیوندجویی	دادن فرصت جبران اشتباهات، زنده شدن علاقه قبلی، تمایل به بودن کنار همسر، ایجاد علاقه به زوج بعد از بیماری زوجه، ترس از دست دادن اجتماعات زن و شوهری، فرصت دادن به زندگی پس از درخواست طلاق، امیدواری و تلاش زوج/زوجه به اصلاح روابط، احساس دلستگی و تعلق خاطر زوجین به یکدیگر به هنگام جدایی، تنهایی‌گریزی.
	قدرشناسی	قدرشناسی، حفظ احترام، تقدیر و تشکر از همسر، فکر کردن به ویژگی‌های مثبت همسر، شناخت و اهمیت به نیازهای یکدیگر، تعریف از همسر در جمع، توجه به همسر و فرزندان، عدم توجه به مسائل جانبی، توجه به نیازهای همسر، توجه به نکات مثبت زندگی، قدردان زندگی فعلی پس از درخواست طلاق

ارتباط سازنده: اولین مضمون فرعی وابسته به مضمون اصلی ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی که از گفتمان‌های شرکت‌کنندگان استخراج شد ارتباط سازنده بود. شرکت‌کنندگان معتقد بودند که ارتباط و نحوه تعامل زوجین با یکدیگر و خانواده همسرشان، از معیارهای اساسی ایجاد سازش پایدار است. از نظر آن‌ها، یک رابطه سازنده رابطه‌ای است که دارای ویژگی‌های زیر باشد؛ زوجین باهم رمانتیک بوده و رابطه عاشقانه داشته باشند؛ رابطه به‌صورت عاشقانه شروع شده باشد؛ احساس رفاقت و دوستی بر رابطه حاکم باشد؛ با همه به‌خصوص با خانواده همسر رابطه خوب داشته باشند؛ برای زوجین ماهیت رابطه مهم‌تر از تنش‌ها باشد و تنش‌ها باعث کاهش اهمیت همسر از نگاه زوجین نشود؛ در جهت ایجاد یک رابطه سازنده بین زوجین، آن‌ها باید از روابط سمی و ناسالم با دیگران خارج شوند؛ به تجارب جدید علاقه‌مند بوده و تجربه‌های جدید را باهم خلق کنند؛ جهت اوقات فراغت و وقت آزاد همسر تلاش کنند؛ قبل از اینکه تصمیم به فرزندآوری بگیرند، ثبات در رابطه را ایجاد کنند؛ از فشار کاری یکدیگر بکاهند؛ دلستگی بین آن‌ها ایجاد شده باشد؛ در کنار همسر و سایر اعضای خانواده حضور فیزیکی کافی داشته باشند؛ ارتباط کلامی بین آن‌ها زیاد و مناسب باشد؛ به علایق یکدیگر اهمیت بدهند؛ احساس تنهایی یکدیگر را پر کنند و در نهایت در صورت بروز بحران با طلاق موافقت نکنند. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۵ (زوج) بیان کرد "معمولاً همونطور که در مشاوره‌ها یاد گرفتیم در زمان بحث و اختلاف نظر و عصبانیت، کمی به هم فضا میدیم به این معنا که موقت و برای چند ساعتی از هم دور میشیم و بعد از اون می‌شینیم و درباره موضوع گفت و گو می‌کنیم". شرکت‌کننده شماره ۱ (زوجه) ابراز کرد "موافق نیستم مثل قدیمیا بگم عشق کم کم به وجود میاد و اینا اگه خیلی با دید باز نگاه کنن و اینا چرا...میشه واقعا... ولی اینکه به این امید ازدواج کنن که یه روزی عشق به وجود میاد این اشتباهه من اگه روز اول عاشقش نبودم الانم قطعاً عاشقش نبودم و کارمون طلاق بود... فکر میکنم حرف زدن همه مشکلات رو حل میکنه. فکر میکنم که سعی میکردم صحبت کنیم و مشکلمون رو حل کنیم". همچنین شرکت‌کننده شماره ۱ (زوج) ابراز کرد "یعنی من از لحاظ محبت واقعا کمبود ندارم... رابطمون خیلی احساسی و عاشقانه و رمانتیکه...".

درک متقابل: دومین مضمون فرعی ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی که از مصاحبه‌ها استخراج شد، وجود درک متقابل در بین زوجین بود. شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که برای ایجاد سازش و پایدار کردن آن باید درک متقابل بین آن‌ها ایجاد شده باشد. آن‌ها معتقد بودند زوجین نباید بر اساس پیش‌فرض‌های از پیش موجود با یکدیگر رفتار کنند، بلکه متناسب با شرایط محیطی و حال و هوای هیجانی همسر با او رفتار کنند. آن‌ها معتقد بودند، زوجین برای درک بهتر یکدیگر باید هنر گوش دادن را یاد گرفته باشند؛ بتوانند همدلی، همدردی و همذات‌پنداری کنند و در شرایط سخت (مثل بیماری) یکدیگر را همراهی کنند. برای مثال، شرکت‌کننده شماره ۱ (زوج) اظهار کرد "من تحت فشار نداشتمش، احتمال هم میدم شاید چون مقطعی از اون زمان سعی کردم درکش کنم همین باعث سازگاری و پایداری سازش بین ما شد. شرکت‌کننده شماره ۶ (زوج) بیان کرد "همسر من که عرض کردم خانم بسیار صبور و پایه و همدلی هست که من خوشحالم از داشتنش و اینکه خیلی مهربونه... اهل سازش هست و دنبال بحث و دامن زدن به بحث نیست اگه اون منو درک نمی‌کرد الان ما جدا شده بودیم".

شرکت‌کننده شماره ۳ (زوجه) بیان کرد "زن و مرد باید بتونن همدیگرو درک کنن. من فکر می‌کنم که شرایط شوهرمو درک می‌کنم و بهش فرصت میدم که اگر اشتباهی کرده خودش متوجه اشتباهش باشه و جبران کنه".

پیوندجویی: سومین مضمون فرعی ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی که از مصاحبه‌ها استخراج شد، پیوندجویی در بین زوجین بود. شرکت‌کنندگان بر این بارو بودند برای سازش پایدار، تمایل به پیوند و بازگشت به رابطه را تجربه کردند. شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که بعد از درخواست طلاق و شروع جلسات مشاوره پیش از طلاق، تمایل به بازگشت در آن‌ها زنده شده بود و به یکدیگر فرصت جبران اشتباه را داده بودند. آن‌ها معتقد بودند که در صورت عدم سازش، تعلق خاطر و علاقه قبلی آن‌ها به یکدیگر از بین می‌رفت و این برای آن‌ها دردناک بود. ترس از تنهایی پس از طلاق و از دست دادن روابط اجتماعی ناشی از زندگی تأهلی، عامل دیگری بود که بر برانگیخته شدن پیوندجویی می‌افزود. به صورت کلی آن‌ها هر چه به طلاق نزدیک‌تر می‌شدند، علاقه قبلی آن‌ها به همدیگر بیشتر ملموس شده و زوج یا زوجه جهت اصلاح رابطه و سازش بیشتر تلاش می‌کردند. برای مثال، شرکت‌کننده شماره ۱ (زوج) بیان کرد "زمان مراجعه فقط به جدایی فکر می‌کردم و اصلا این روزها رو تصور نمی‌کردم که برگردم. اما چیزی که نمیدونم چی بود و از کجا آمد حس مسئولیتی بود که حس علاقه رو دوباره زنده کرد و باعث شد علاقه قبل از درخواست طلاقم در من مجدد زنده بشه انگار خشم قبل از طلاق با جلسات از بین رفت و مجدد علاقه بهش برگشت". مشارکت‌کننده شماره ۷ (زوج) اظهار کرد "آخه این اولین مشکل بزرگ ما بود. تا حالا اینقدر به بحران نخورده بودیم که بخوایم ازهم جدا بشیم. دوتامون مطمئنم ته دلمون از جدایی می‌ترسیدیم، از اینکه همو از دست بدیم می‌ترسیدیم. باور کنید هرچه از تقاضای طلاق می‌گذشت حس می‌کردم عشق و علاقه من برگشته و من چرا باید جدا بشم ... باور کنید بعد از هفته اول طلاق، من بیشتر از قبل هم برای رابطه تلاش کردم ...؟".

قدرشناسی: آخرین مضمون فرعی ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی که از مصاحبه‌ها استخراج شد، قدرشناسی در بین زوجین بود. شرکت‌کنندگان معتقد بودند که با وجود درخواست طلاق، در همسرشان رفتارها و ویژگی‌های وجود دارد که مدیون و قدردان آن هستند. از سوی دیگر، شرکت‌کنندگان اذعان داشتند، اگر دستاوردی در زندگی داشته‌اند حاصل تلاش دو نفر (زوج و زوجه) بوده است نه فقط حاصل تلاش یک نفر (زوج یا زوجه). بنابراین، همسرشان سزاوار احترام، تقدیر و تشکر، احترام و قدردانی است. بعلاوه بعضی از شرکت‌کنندگان بر این باور بودند وقتی همسرشان در هر شرایط قدردان آن‌ها بودند، طلاق گزینه مناسبی برای آن‌ها نیست. در این راستا، شرکت‌کننده شماره ۶ (زوج) اذعان داشت "قدردانی از همسر که برای خودم زیاد ابراز نمی‌کردم اما توصیه می‌کنم که زوجین قدردان همسر باشند و تا ابرازش نکنند همسر به‌طور کامل درکش نمی‌کنه ... من بدون کمک خانمم نمی‌تونستم اون چیزایی که الان دارم را داشته باشم و به خاطر همه زحماتش متشکرم". همچنین جمله "سعی کردم نکات مثبت همسر را بیاد بیارم" در بیانات شرکت‌کنندگان شماره ۵ (زوجه) و ۶ (زوج) عیناً تکرار شده است. شرکت‌کننده شماره ۱ (زوجه) اظهار داشت "اصلا، کلا بخاطر همین اخلاقی خوبش بود که وایستادم. خودشم خیلی صوره. خیلی مهربونه. خیلی احساساتیه. مثلا غذا درست می‌کنم حتی اگر جلوش یه املتم بذاری، باز میاد خیلی تعریف میکنه، تشکر میکنه که یه لحظه با خودت میگی مگه چی درست کردی که اینقدر تعریف میکنه و شرمنده میشی و به خودت میگی چرا باید از همچین کسی طلاق بگیری".

مضمون سوم: عوامل خانوادگی

سومین مضمون اصلی این مطالعه که از مصاحبه با شرکت‌کنندگان استخراج شد، عوامل مرتبط با خانواده بود که مشتمل بر دو مقوله فرعی دلبستگی والد-فرزندی و خانواده‌های حمایتگر بود (جدول ۴).

جدول ۴: مفاهیم و مقوله‌های مضمون سوم (عوامل خانوادگی)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
عوامل خانوادگی	دلبستگی والد-فرزندی	حضور بچه‌ها، وابستگی فرزند به والدین، حفظ شرایط روحی بچه‌ها، احساس عشق به فرزندان، ترس از منزوی شدن فرزند بزرگ‌تر، توافق نظر درباره تربیت فرزندان، تنی بودن فرزندان، بارداری بعد از چند سال
	خانواده‌های حمایتگر	عدم دخالت بیجای خانواده‌ها در زندگی زوجین و پروسه طلاق (۲)، عدم افشای فرایند طلاق به دیگران طی پروسه اقدام به جدایی (۲)، تلاش خانواده‌ها برای برگشت، عدم اجبار و فشار از سمت خانواده‌ها، برخورد مناسب خانواده، تلاش خانواده در رفع مشکلات، روابط مثبت خانواده‌ها با هم، مقصر نساختن خانواده در مشکلات، حمایت خانواده زوجه از زوج، حمایت خانواده زوج از زوجه، حمایت خانواده‌ها، عدم اطلاع‌رسانی سریع خانواده‌ها به هم (۴)

دلبستگی والد-فرزندی: یکی از عوامل مرتبط با خانواده که با سازش پایدار ارتباط داشت، دلبستگی والد-فرزندی بود. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان داشتن فرزند و میزان دلبستگی که بین والدین و فرزندان وجود دارد، بر سازش زوجین اثر مثبت داشته و منجر به انصراف از طلاق می‌گردد. شرکت‌کنندگان معتقد بودند که میزان عشق والدین به فرزندان و اهمیت دادن به حفظ شرایط روحی-روانی فرزندان بر سازش آن‌ها تأثیر گذاشته است. برخی از آن‌ها معتقد بودند که احتمال دارد بعد از طلاق، فرایند تربیت آن‌ها با اصول آن‌ها همخوانی نداشته باشد و لذا برای تربیت فرزندان طبق اصول خودشان از طلاق انصراف داده و تلاش کردند به سازش دست یابند. در این بین، شرکت‌کنندگانی هم بودند که معتقد بودند اگر فرزندان تنی باشند بر میزان سازش آن‌ها اثر مثبت بیشتری دارد تا اینکه فرزند ناتنی داشته باشند. در نهایت، اگر فرزند بعد از مدت‌ها ناباروری به دنیا آمده باشد، احتمال سازش را بیشتر می‌کند. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۲ (زوج) بیان کرد "بچه هامون یکی از موانع مهم ما در تصمیم جدی بر جدایی بودند. مخصوصاً شرایط روحی دخترم که فرزند بزرگ بود و حال روحی نامساعدش که بسیار در برگشت و ماندن ما به نظرم تأثیر داشت". بعلاوه، مصاحبه‌شونده شماره ۳ (زوج) بیان کرد "فرزند اول خانم چالش مهمی بین ما بود و البته گاهی هم الان هست. اما با اومدن فرزند خودمون من سعی کردم، درسته سخنه اما بین اینا فرقی نذارم تا خانم اذیت نشه و سعی می‌کنم بپذیرمش ... و خوب تا حدودی موفق بودم. چون این بچه گناهی نداشته ... و با همون قدرت درک کردنم سعی کردم خودم جای این طفل بذارم و به آرامش خودم و زندگی‌مون کمک کنم. شاید اینطور بگم از دید من چیزی که باعث نگاه متفاوت من و همینطور محک زدن خودم به موندن در این رابطه بود، عشق به بچم بود که نگاهم به فرزند خانم را هم عوض کرد... یا بهتر بگم جلوی چشمم هست که ببینم اگر مراقب رابطه‌ام نباشم این فرزندمون هم همین عواقب رو خواهد داشت پس حضور این بچه به جورایی باعث امتحان من و تلنگر من برای موندن و محکم موندنم میشه".

خانواده‌های حمایت‌گر: دومین مضمون فرعی عوامل خانوادگی، داشتن خانواده‌های حمایت‌گر بود که میزان سازش را بیشتر می‌کرد. مصاحبه‌شوندگان گزارش کردند، خانواده به شیوه‌های زیر می‌تواند از زوجین حمایت کرده و بر سازش آن‌ها مؤثر باشد؛ از دخالت‌ها منفی و مکرر در زندگی زوجین خودداری کنند؛ در راستای برگشت از طلاق و سازش زوجین تلاش کنند؛ فشار و اجباری از سمت خانواده جهت اقدام و ادامه فرایند طلاق نباشد؛ خانواده‌های زوجین جهت حل مشکلات زوجین، همواره تلاش کنند؛ خانواده‌های زوجین ارتباط مثبتی باهم داشته باشند؛ خانواده زوج از زوجه حمایت کند و برعکس. همچنین برخی از شرکت‌کنندگان بر این بارو بودند که در خانواده‌هایی که همواره در زندگی زوجین دخالت می‌کنند عدم اطلاع‌رسانی تقاضای طلاق به خانواده‌ها و سایر اطرافیان می‌تواند، بر احتمال سازش بیافزاید. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۷ (زوجه) بیان کرد "درست است که در ابتدای کار به درگیری و اختلاف بین خانواده‌ها هم کشید ولی بعدها شدیداً سعی در برگشت ما داشتند". علاوه بر این شرکت‌کننده شماره ۳ (زوج) اظهار داشت "خانواده همسر خیلی همامو داشتن و حمایت کردن و اصلاً مدیون اونام این زندگی و همسر رو. البته که اوایل چالش خانم با خانواده‌اش زیاد بود اما از نظر من اونها خیلی در پذیرش من و شکل‌گیری این رابطه مؤثر بودن ... باعث دلگرمی من و قوت قلبم بودن".

مضمون چهارم: عوامل فرهنگی-اجتماعی
چهارمین مضمون اصلی که از اظهارنظرهای شرکت‌کنندگان استخراج شد، عوامل فرهنگی-اجتماعی مرتبط با جامعه بود که مشتمل بر سه مضمون فرعی، گریز از داغ ننگ، بافت اجتماعی سازگار و فرهنگ مشاوره‌پذیری بود (جدول ۵).

جدول ۵: مفاهیم و مقوله‌های مضمون چهارم (عوامل فرهنگی-اجتماعی)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
عوامل فرهنگی-اجتماعی	گریز از داغ ننگ	تابو بودن طلاق در فرهنگ (۹)، آبروسنجی (۳)، فرار از نگاه مردم به نام مطلقه (۲)، قبح فرهنگی طلاق (۵)
	بافت اجتماعی سازگار	داشتن شغل مساعد (مثل عدم فشار جسمی و روحی ناشی از کار زیاد) (۳)، نبود مشکلات مالی، فراغت از چشم و هم‌چشمی (۲)، دوری از محیط شهری، تأثیر مثبت اطرافیان بر حال فرد درگیر طلاق، قائل نشدن حق بدیهی طلاق برای فرد درگیر مشکل، شباهت فرهنگی و طبقه اجتماعی
	فرهنگ مشاوره‌پذیری	تغییر نگاه به عشق همسر پس از مشاوره، ایجاد علاقه قبلی بعد از مشاوره، فروکش کردن خشم با جلسات مشاوره، ایجاد آرامش پس از مشاوره، ثابت‌قدم بودن در جلسات مشاوره، شکستن مقاومت در برابر صحبت با مشاور، تشویق مشاور، جلب اعتماد پس از جلسات مشاوره، اقدام برای مشاوره قبل از دخالت بقیه، احساس نیاز به مشاوره قبل از ازدواج

گریز از داغ ننگ: اولین مضمون فرعی مرتبط با عوامل فرهنگی-اجتماعی، گریز از داغ ننگ بود که با سازش زوجین مرتبط بود. شرکت‌کنندگان گزارش کردند که تابو بودن فرهنگ طلاق، در تلاش برای ایجاد سازش پایدار نقش اساسی داشته است. آن‌ها معتقد بودند که درگیر یک فرایند آبروستجی شدند و به این نتیجه رسیدند که ادامه فرایند طلاق با آن در تضاد است و بنابراین، جهت سازش تلاش بیشتری کردند. همچنین بعضی از شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که نگاه منفی جامعه به فرد مطلقه باعث شده از ادامه فرایند طلاق خودداری کنند. به صورت کلی آن‌ها طلاق را به لحاظ فرهنگی یک امر قبیح قلمداد می‌کردند و برای اجتناب از این قبح فرهنگی، از طلاق خودداری کرده و جهت سازش تلاش کردند. به عبارت دیگر، در زوجین مورد مطالعه، طلاق به عنوان یک ننگ به حساب می‌آمد و اجتناب از داغ این ننگ با سازش آن‌ها مرتبط بود. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۳ (زوج) بیان کرد "مسائل فرهنگی و قبح طلاق، مخصوصاً طلاق دوم، اگر اتفاق می‌افتاد مانعی برای تصمیم به جدایی من بود. در مورد خانم نمیدونم اما برای من کمی سخت بود. ضمن اینکه درخواست هم از جانب خانم بود و الحمدلله الان هم سازش با انصراف خانم و یه جور معجزه بود". همچنین شرکت‌کننده شماره ۷ (زوجه) ابراز داشت "من و شوهرم هر دو بزرگ شده خانواده‌هایی هستیم که طلاق هنوز هم یک تابو است و قطعاً یکی از فشارهایی که روی ما بود قبول این موضوع و تبعاتش بود".

بافت اجتماعی سازگار: دومین مضمون فرعی مرتبط با عوامل فرهنگی-اجتماعی، بافت اجتماعی سازگار بود. شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که بافت اجتماعی که در آن هستند، در میزان سازش آن‌ها مؤثر افتاده است. به عبارت دیگر، اگر بافت اجتماعی حاکم بر روابط زوجین انطباقی (سازگار) باشد، در جهت سازش کمک‌کننده خواهد بود. از نظر مصاحبه‌شوندگان، بافت اجتماعی سازگار فارغ از چشم هم‌چشمی با دیگران است؛ بافتی است که در آن زوج/زوجه اشتغال مناسب داشته، فشارهای جسمی و روانی شغل در حداقل بوده و به لحاظ مالی مکفی است. همچنین در بافت‌های اجتماعی روستایی و به دور از مدرنیته‌گرایی شهری، احتمال سازش پایدار بیشتر بود. بافتی که در آن زوجین، از سمت اطرافیان (به غیر از خانواده‌های زوجین) حمایت دریافت می‌کنند، سازش پایدار در دسترس‌تر بود. از دیگر شرایط بافتی که بر سازش پایدار مؤثر بود، استفاده از طلاق به عنوان یک روش مرسوم، برای حل مشکلات بود. در بافت‌هایی که طلاق یک حق و روش بدیهی برای حل مشکلات باشد، میزان سازش پایین است و بالعکس. در نهایت یک بافت اجتماعی انطباقی، شرایطی است که در آن زوجین به لحاظ طبقه اجتماعی و فرهنگی شباهت لازم را دارند. شرکت‌کنندگان حتی تشابه اعتقادی را از عوامل سازش دانستند. طبق نظر شرکت‌کنندگان، سازش در شرایط تشابه اجتماعی-فرهنگی، پایدارتر خواهد بود. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۷ (زوج) بیان کرد "بنظرم رسید که تصمیمی که در کش و قوس طلاق گرفتیم و خیلی به ما کمک کرد، یه زمین زراعی که در روستا داشتیم رو بازسازی کردم و شروع به کشت و کار کردیم و تایم آخر هفته را آنجا زندگی می‌کنیم و از شهر و زرق و برق ظاهری آن دوریم". بعلاوه، شرکت‌کننده شماره ۲ (زوج) بیان کرد "خانم از یه جایی به بعد توجهش بیشتر روی منو بچه‌ها معطوف شد و کمتر وقت برای مقایسه و چشم و هم‌چشمی داشت. آخه نمی‌دونید قبلاً زندگی ما فقط رقابت با دوستان و آشنایان بود، انگار برای دیگران زندگی می‌کردیم. منم براش یه کارگر نظافت گرفتم که هفته‌ای یکبار خونه رو تمیز کنه و خانم اون تایم با بچه‌ها به منزل خواهرش و مادرش و فامیل می‌رفت و یا وقت برای تفریح بیشتر داشت".

فرهنگ مشاوره‌پذیری: آخرین مضمون فرعی مرتبط با عوامل فرهنگی-اجتماعی، فرهنگ مشاوره‌پذیری بود. تقریباً تمام شرکت‌کنندگان اظهار داشتند، شرکت در جلسات مشاوره قبل از طلاق، در میزان سازش آن‌ها مؤثر واقع شده است. شرکت‌کنندگان بیان داشتند که شرکت در جلسات مشاوره و کمک خواستن از مشاوره بهتر است قبل از عمومی شدن طلاق و دخالت خانواده‌ها انجام شود. در واقع آن‌ها این زمان را یک زمان طلایی برای شرکت در جلسات می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند با شکستن مقاومت‌های اولیه برای شرکت در جلسات مشاوره، مقاومتشان در برابر یکدیگر نیز شکسته شد و رفتارهای راهبردی‌شان جهت سازش تقویت یافت. به عبارت دیگر، شرکت در جلسات مشاوره، استفاده از راهکارهای مشاور و حتی تشویق مشاور باعث شد که خزانه رفتاری آن‌ها گسترش یابد و گزینه طلاق جای خود را به گزینه‌های متعدد رفتاری بدهد که در ایجاد سازش مؤثر هستند. شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که شرکت در جلسات از طریق روش‌های زیر منجر به سازش پایدار می‌شود؛ تغییر نگاه (خصمانه) به همسر، ایجاد عشق و علاقه قبلی به همسر، فروکش کردن خشم و اعتمادیابی مجدد. در نهایت از نظر برخی شرکت‌کنندگان، انجام مشاوره‌های قبل از طلاق، حتی در آینده و در شرایط بحرانی برای سازش کمک‌کننده است. در این زمینه شرکت‌کننده شماره ۱ (زوج) بیان کرد "بنظرم اگر زوجی دچار این شرایط ما باشن یعنی تصمیم به طلاق حتماً به جلسات مشاوره بدون مقاومت مراجعه کنند چون ممکنه آخرین فرصت باشه برای رابطه و این فرصت رو از خودشون دریغ نکنند خود این جلسات ترمزی برای هر تصمیم عجولانه است". شرکت‌کننده شماره ۱ (زوجه) بیان کرد "زمان مراجعه فقط به جدایی فکر می‌کردم و اصلاً این روزها رو تصور نمی‌کردم که برگردم... علاقه قبل از درخواست طلاقمون با جلسات مشاوره در من مجدد زنده شد. انگار خشم قبل از طلاق با جلسات از بین رفت ... در جلسات آخر وقتی به خودم اومدم دیدم دوباره امید پیدا کردم و زندگیمو دوست داشتم".

مضمون پنجم: پابندی به ارزش‌ها

آخرین مضمون اصلی این مطالعه که از مصاحبه با شرکت‌کنندگان استخراج شد، پابندی به ارزش‌ها بود که از دو مقوله فرعی وفای عهد و معنویت‌گرایی تشکیل شده است (جدول ۶).

جدول ۶: مفاهیم و مقوله‌های مضمون پنجم (پابندی به ارزش‌ها)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
پابندی به ارزش‌ها	وفای عهد	عدم وجود نفر سوم رابطه (۲)، عدم خیانت زوجه/زوج، عذاب وجدان زوجه/زوج ناشی از خیانت (۲)، وفاداری (۴)، دفاع از همسر در غیاب او.
	معنویت‌گرایی	اعتقادات (۲)، ایمان، نجابت، حفظ عزت

وفای عهد: یکی از مقوله‌های پابندی به ارزش‌ها که با سازش پایدار ارتباط داشت وفای عهد بود. زوجین سازش یافته که مورد مصاحبه قرار گرفتند، ارزش‌گریز نبودند و پابندی به ارزش‌های فرهنگ ایرانی در آن‌ها مشاهده می‌شد. شرکت‌کنندگان تأکید داشتند که پابندی به ارزش‌هایی مثل وفای به عهد (وفاداری/خیانت‌ستیزی)، نشان دهنده میزان تعهد زوجین به یکدیگر بوده و از الزامات یک سازش پایدار در طول زندگی است. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند، وفاداری چیزی بیش از تعهد است. آن‌ها تعهد را یک تکلیف و وظیفه زناشویی (مثل تلاش برای پیشرفت، وظیفه‌شناسی) قلمداد می‌کردند، ولی وفاداری را یک ارزش می‌دانستند که برای تمامی افراد متأهل ضروری و لازم است. از دیدگاه آن‌ها، یک فرد وفادار علاوه بر اینکه از خیانت‌گریزان است، همواره با خیانت‌ستیزه‌گری می‌کند، هیچ نفر سومی را به رابطه وارد نمی‌کند، در صورت پیمان‌شکنی و خیانت، دچار عذاب وجدان می‌شود و تلاش برای جبران می‌کند و در نهایت حتی در غیاب همسر از او دفاع می‌کند. برای مثال مشارکت‌کننده شماره ۴ (زوج) ابراز داشت "به نظرم اونچه که یک زن از شوهرش میخواهد، من دارمش. خیلی دست و دلبازم، اهل خیانت نیستم یعنی به شدت متفرم از خیانت. زن و شوهر باید در همه شرایط وفادار هم باشن حتی در زمان طلاق و این بنظر خیلی خیلی مهمه نه اینکه از خودم تعریف کنم. همسر من اینو تصدیق خواهد کرد ... و همین انتظارو از طرف مقابلم دارم."

معنویت‌گرایی: دومین مقوله فرعی پابندی به ارزش‌ها، معنویت‌گرایی بود. تمام شرکت‌کنندگان این پژوهش، از لحاظ جغرافیایی در محدوده شهر بیرجند و همه زوجین مسلمان و پیرو مذهب شیعه بودند و همه آن‌ها حضور خداوند و عوامل معنوی-مذهبی را در ایجاد سازش پایدار مؤثر دانستند. شرکت‌کنندگان همیشه نقش ایمان به خداوند را در سازش خود احساس کرده‌اند و گویی خداوند محور و اساس سازش پایدار آن‌ها بوده است. طبق نظر آن‌ها، تمسک جویی و توکل به خداوند، باعث تسهیل سختی‌های زندگی شده است. شرکت‌کنندگان معتقدند که خداوند در همه ابعاد زندگی آن‌ها حضور دارد و سرنوشت آن‌ها توسط خداوند تعیین شده است. زوجین اظهارنظرهایی از قبیل لطف خداوند برای زندگی، فرصتی که خداوند داده و خواست خداوند را داشتند که نشان دهنده معنویت‌گرایی زوجین سازش یافته است. برای مثال مشارکت‌کننده شماره ۵ (زوج) ابراز داشت "شوهرم خیلی صادق است ... همیشه به من تاکید میکنه همونطور که راحت و آرام هستی رفتار کن، رفت و آمد کن، بپوش، و... کاری به حرف دیگران نداشته باش. فقط کارت رو از نظر خدا درست انجام بده. میگه ببین کارا از نگاه خدا خوبه یا بد. حین جلسات مشاوره منم به این جملش واقعا فک می‌کردم. قطعاً خدا راضی به جدایی زن و شوهر نیست مخصوصاً ما الان که باردارم هستم."

بحث

این مطالعه با هدف شناسایی عوامل مؤثر در رضایت و پایداری در زوجین سازش یافته شهر بیرجند انجام شد. در این مطالعه ۵ مضمون اصلی و ۱۶ مضمون فرعی در ایجاد رضایتمندی پایدار در زوجین دخیل بودند. اولین مضمون اصلی ویژگی‌های فردی بود که از ۵ مؤلفه شخصیت سازشگر، تعهدپذیری، پختگی عاطفی-هیجانی، پختگی شناختی و ادراک مشکلات بعد از طلاق تشکیل شده بود. این یافته پژوهش حاضر با نتایج بعضی از پژوهش‌ها همخوانی دارد. برای مثال در پژوهش Khodadadi Sangdeh et al. (2014) نیز بسترهای فردی (مسئولیت‌پذیری، گذشت، قناعت و پختگی) به‌عنوان عامل مؤثر در ازدواج و زندگی زناشویی موفق استخراج شد. علاوه Salimi et al. (2019) همخوان با این مطالعه نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی، یکی از عواملی است که می‌تواند روی ثبات و رضایت از رابطه اثرگذار باشد. بنابراین، داشتن ویژگی‌های فردی، در سازش پایدار مؤثر است. در این راستا، فردی که شخصیت سازشجو دارد با نشان داد انعطاف‌پذیری، مهربانی، مسئولیت‌پذیری، وجدان‌مندی و سرسختی، برای سازش تلاش بیشتری نشان خواهد داد. از ویژگی‌های شخصیت سازشجو که در مطالعه کیفی Khodadadi Sangdeh et al. (2014) نیز استخراج شد، خصیصه‌های صبور بودن، گذشت داشتن و

قناعت‌پیشگی بود که با توجه زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی به دلیل ریشه‌دار بودن آن‌ها در آموزه‌های دینی، نقش مؤثری بر شاکله شخصیت و در نهایت سازش افراد دارند. افرادی که اهل صبر، بخشودگی و قناعت‌پیشگی هستند، در مواجهه با مسائل مشکل‌آفرین زندگی زناشویی، راهبردهای انطباقی اتخاذ کرده و نگرش مثبتی به پیشامدها و رویدادها داشته و به ادامه زندگی امیدوارترند. از دیگری ویژگی‌های فردی مؤثر در سازش پایدار، پختگی (عاطفی-هیجانی و شناختی) بود. افراد پخته، در فرایند مشکلات زندگی به راحتی سرخورده نمی‌شوند و کمتر از راهبردهای غیرانطباقی از قبیل خشم، قهر، بی‌اعتمادی، مقایسه، لجبازی، تحقیر و غیره استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، بلوغ شناختی-عاطفی به افراد کمک می‌کند بین عقل و احساس تعادل کافی برقرار کنند (Nindiyasari & Herawati, 2018). چهارمین ویژگی فردی مؤثر تعهدپذیری بود. افراد تعهدپذیر مشکلات مربوط به زندگی زناشویی را قابل حل می‌دانند و بر این باور هستند که با سعی و کوشش می‌توانند مسائل مشکل‌آفرین را از پیش‌رو بردارند ولی افرادی که تعهدپذیری آن‌ها به زندگی زناشویی کمتر است، مسائل مشکل‌آفرین را کمتر قابل حل می‌دانند و احتمال بیشتری دارد که زندگی تأهلی آن‌ها با مشکل مواجه شود (Ghezelsefloo et al., 2016). در نهایت افرادی که ادراک آن‌ها از مشکلات بعد از طلاق بیشتر است برای اجتناب از مواجهه با آن‌ها به احتمال بیشتر برای سازش تلاش می‌کنند. این افراد به دلیل بررسی وجود معایب بعد از طلاق و تجربه مشکلات بیشتر ممکن است که از طلاق و جدایی گریزان باشند و در نتیجه راهبردهایی را برای پیوندآفرینی مجدد به کار گیرند.

دومین مضمون اصلی استخراج شده از این مطالعه ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی بود که از چهار طبقه ارتباط سازنده، درک متقابل، پیوندجویی و قدرشناسی تشکیل شده است. در مطالعه Hatami Varzaneh et al. (2017) نیز مقوله اصلی منظومه زن و شوهری (با مقوله‌های فرعی عشق و تعلق خاطر، ارتباط، تعاملات در جمع، همسویی و مشارکت، نقش‌ها) از عوامل مؤثر در رضایتمندی پایدار زوجین بود. ارتباط وقتی سازنده باشد انتظار می‌رود که پایداری و رضایت از رابطه نیز بالاتر برود. زوج‌های موفق تقریباً همیشه باهم دیگر صحبت می‌کنند و به همدیگر گوش می‌دهند و سعی می‌کنند که ارائه و دریافت اطلاعات تقریباً روشن و کمتر سوگیرانه باشد، ارتباط همراه با خنده‌ها و شوخی‌های به‌موقع و غیر توهمین‌آمیز است و علاوه بر اینکه سعی دارند احساسات و هیجانات خود را ابراز کنند، سعی می‌کنند احساسات و هیجانات همسر خود را درک کنند و نیز همسر خود را تشویق می‌کنند تا او نیز احساسات و هیجانات خود را ابراز کند (Fivecoat et al., 2014). ضعف در برقراری ارتباط و تعامل سازنده در ۱۰ سال اول ازدواج منجر به طلاق و نارضایتی از رابطه می‌شود و بالعکس ارتباط سازنده، قدردانی، درک متقابل زن و شوهر از یکدیگر و پیوندجویی و صمیمیت برخاسته از بستر تعاملات زوجین، در ایجاد سازش پایدار نقش آفرینی می‌کنند (Rajaei Ghazilou et al., 2021). آنچه که این نتایج را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند، علاوه بر تأیید ارتباط سازنده، درک متقابل و پیوندجویی، شناسایی عاملی است که به خوبی اثرات بافت فرهنگی-اجتماعی را بروز می‌دهد. قدردانی زوجین از یکدیگر عاملی است که در بافت فرهنگی-اسلامی ایران بر رضایت زوجین بسیار مؤثر است و نشانگر غالب بودن فرهنگ جمع‌گرایی است. این گونه رفتارها در بافت‌های خانواده‌محور مثل ایران، بر خلاف سایر بافت‌های خودمحور که در آن ویژگی‌های فردی از اهمیت بیشتری برخوردار است، زوجین را به همدیگر نزدیک کرده و چرخه ارتباطات/تعاملات مثبت را ایجاد می‌کند. همچنین تعاملات مثبت، مکانیسم‌های حمایتی زوجین را فعال نگه می‌دارد که پژوهش‌های کیفی پیشین نیز آن را تأیید می‌کنند (Khodadadi Sangdeh et al., 2014; Rajaei Ghazilou et al., 2021).

سومین مضمون اصلی استخراج شده از این مطالعه، عوامل خانوادگی بود که از دو طبقه دل‌بستگی والد-فرزندی و خانواده‌های حمایتگر تشکیل شده است بنابراین می‌توان گفت که داشتن فرزند و برقراری دل‌بستگی بین والد-فرزند به ایجاد سازش بعد از تقاضای طلاق کمک می‌کند. در واقع می‌توان گفت که منظومه زن و شوهری بعد از ورود فرزندان، به منظومه والدینی تبدیل می‌شود و زوجین با تکالیف تازه‌تری رو به رو می‌شوند و باید بتوانند به خوبی از عهده نیازهای فرزندان هم برآیند. در این مطالعه، زوجین سازش‌یافته توانسته بودند یک دل‌بستگی ایمن با فرزندان برقرار کنند و در مراحل مختلف تحول خانواده واکنش‌های مناسبی نشان داده بودند. البته حضور و ماندن صرف در زندگی به دلیل حضور فرزندان حتی آسیب هم تلقی می‌شود (Hatami Varzaneh et al., 2017). این زوجین با توجه به دل‌بستگی و عشق به فرزندان، در جهت سازش پایدار تلاش کرده بودند. به عبارت دیگر، فرزندان به‌وسیله‌ی هم‌افزایی زوجین برای فرزندپروری و بازی با فرزند صمیمیت را بین آن‌ها تسهیل می‌کنند. همچنین تعهد فقط تعهد زوجین به یکدیگر، بلکه تعهد به والدگری و تعهد به فرزندان نیز است (Ghazilou et al, 2021). از دیگر عوامل خانوادگی که تسهیلگر سازش بود حمایت‌های خانوادگی، خانواده‌های اصلی بود. همسو با این مطالعه (Salimi et al. (2019) در مطالعه خود نشان دادند که داشتن یک خانواده حمایتگر می‌تواند باعث بهبود کیفیت رابطه زناشویی و در نتیجه سلامت رابطه شود. حمایت‌های خانوادگی به شیوه‌های مختلف، سازش بین زوجین را تسهیل می‌کنند که از جمله آن می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود؛ از دخالت بیجا در زندگی زوجین خودداری می‌کنند، برای انصراف از طلاق و حل مشکلات زوجین تلاش می‌کنند، به خانواده‌های زوجین احترام می‌گذارند، برای طلاق فرزند خود اصرار نمی‌ورزند و غیره. در حالی که مشخصه بارز خانواده‌های اصلی

در زندگی‌های در حال فروپاشی تنش‌افزایی، مداخله‌گری و دخالت است (Hatami Varzaneh et al., 2017). حمایت صحیح دیگران در بسیاری از شرایط می‌تواند کمک‌کننده باشد. هرچند گاهی اوقات دیگران ممکن است به رابطه زناشویی صدمه بزنند؛ اما در مجموع حمایت آنان از زوج می‌تواند رابطه آن‌ها را تقویت کند. وقتی زن و شوهر در شرایطی باشند که منابع درونی و زوجی نتواند جوابگوی آن وضعیت باشد، دیگران به‌عنوان یک منبع درونی می‌تواند زوج را در مقابله با چنین وضعیتی یاری دهند. هنگامی که در رابطه زناشویی، تعارض یا تنش به وجود بیاید، دیگران می‌توانند با پادرمیانی، مشورت، به وجود آوردن شرایطی مناسب برای گفتگوی زوج با همدیگر و حتی نصیحت، تنش را از رابطه کاسته و باعث ثبات و رضایت بیشتر از رابطه زناشویی شوند (Wang et al., 2015).

چهارمین مضمون اصلی استخراج شده از این مطالعه عوامل فرهنگی-اجتماعی بود که از سه طبقه گریز از داغ ننگ، بافت اجتماعی سازگار و فرهنگ مشاوره‌پذیری تشکیل شده است. همسو با این مطالعه در مطالعه Khodadadi و Jomenia et al. (2021) و Sangdeh et al. (2014) عوامل فرهنگی-اجتماعی از طبقه‌های مؤثر در سازش و طلاق زوجین بود. یکی از شرایط فرهنگی که در جامعه ایرانی به ویژه در شهر بیرجند حاکم است و بر فرایند سازش مؤثر بود، گریز از داغ ننگ بود. در واقع تابو بودن فرهنگ طلاق، قباحت طلاق و مطلقه بودن نیروی محرکی برای زوجین بیرجندی محسوب می‌شد که برای اجتناب از داغ ننگ جهت سازش تلاش کنند. همچنین بافت اجتماعی حاکم از قبیل تشابه فرهنگی-اجتماعی، اشتغال مناسب، وضعیت مالی مناسب، زندگی در محیط شهری (اطراف بیرجند)، عدم مقایسه و رقابت‌جویی با دیگران و عدم بدیهی‌انگاری طلاق، زوجین را در جهت سازش پایدار سوق می‌داد. در نهایت عوامل فرهنگی اجتماعی از طریق پذیرش شرکت در جلسات مشاوره (فرهنگ مشاوره‌پذیری) می‌تواند سازش را تسهیل کند. در نمونه مورد مطالعه، شرکت در جلسات از طریق تغییر دیدگاه زوجین به یکدیگر، ایجاد علاقه قلبی، مدیریت خشم و اعتمادسازی بین زوجین، سازش بین زوجین را تسهیل کرده است.

آخرین مضمون اصلی استخراج شده از این مطالعه، پایبندی به ارزش‌ها بود که از دو طبقه وفای عهد و معنویت‌گرایی تشکیل شده است. همخوان با این مطالعه Salimi et al. (2019) نشان دادند که عوامل معنوی از مهم‌ترین عوامل مؤثر احساس خوشبختی زوجین است. پایبندی به ارزش‌های ایرانی-اسلامی از قبیل وفای به عهد باید و نیاید و امور مشروع و نامشروع را برای زوجین مشخص کرده است. در مورد اهمیت عوامل معنوی باید گفت که معنویت‌گرایی نقش بسزایی در سازش و رضایت از زندگی دارد. نظام عقیدتی متعارض دو نفر، موجبات تعارض را فراهم می‌کند و بالعکس. این فرایند اثرگذاری به‌واسطه باور به اعتقادات دینی در مورد مقدس انگاشتن امر ازدواج، عمل به سفارش‌های مذهبی-معنوی در مورد اهمیت روابط زناشویی و نقش تعدیل‌گر عقاید معنوی برای آرامش زوجین است. به عبارت دیگر زوجین مسلمان، اسلام و امور معنوی را عنصر متحدکننده ازدواج قلمداد می‌کنند و حتی خداوند را به‌عنوان ضلع سوم ازدواج در نظر می‌گیرند. ضلعی که به تحمل شرایط دشوار زندگی و ادامه آن در شرایط دشوار کمک می‌کند (Alghafli et al., 2014). وجود باورهایی معنوی باعث می‌شود که زوج، زندگی زناشویی را نه صرفاً یک رابطه قراردادی و حقوقی؛ بلکه به‌عنوان یک امر الهی و مقدس بشمارند و در برابر فروپاشی آن به‌شدت مقابله کنند. به عبارتی، حوزه‌ها و ابعاد مرتبط با مذهب از طریق روش‌هایی چون ترغیب و تشویق‌های روحانیت، خدمات و کمک‌های جامعه دینی، تأثیرات برخاسته از نماز و دعا، حس پیوند و انسجام ناشی از انجام مشترک مناسک و اعمال مذهبی، تقویت حس وفاداری و اعتماد و بخشندگی، مذموم دانستن طلاق، رشد و ترویج ارزش‌های اخلاقی و باور به وجود خداوند به‌عنوان زمینه‌ای مطرح می‌شود که می‌تواند بر تعاملات زوج اثر بگذارد (David & Stafford, 2013).

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های تعاملی/ارتباطی، عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی-اجتماعی و پایبندی به ارزش‌ها می‌توانند باعث شود تا زوج‌هایی که از طلاق منصرف شده‌اند و به سازش مجدد رسیده‌اند، زندگی پایدار و رضایت‌بخشی را تجربه کنند.

محدودیت‌ها

علت سوگیری‌های احتمالی مشارکت‌کنندگان در پاسخ دادن و احتمال خطا در فرایند کدگذاری، از محدودیت‌های پژوهش حاضر است و لازم است در هنگام تعمیم نتایج به آن دقت شود.

پژوهش‌های آینده

پیشنهاد می‌شود تا مشاورانی که به مشاوره‌های قبل از طلاق مشغول هستند در ارزیابی‌های خود این عوامل را مورد سنجش قرار دهند و سعی کنند مداخله‌هایی را به‌منظور تقویت این عوامل به کار گیرند. پژوهشگران نیز می‌توانند ابزارهایی طراحی کنند تا این عوامل را در زوج‌های متقاضی طلاق مورد سنجش قرار دهند.

تعارض منافع

نویسندگان مقاله هیچگونه تعارض منافی را گزارش نکرده‌اند.

References

- Alghafli, Z., Hatch, T., & Marks, L. (2014). Religion and relationships in muslim families: A qualitative examination of devout married muslim couples. *Religions*, 5(3), 814-833. <https://doi.org/10.3390/rel5030814>
- Bachand, L. L., & Caron, S. L. (2001). Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. *Contemporary Family Therapy*, 23(1), 105-121. <https://doi.org/10.1023/A:1007828317271>
- Bashirgonbadi, S., Dargahi, S., Ahmadboukani, S., & Fadakar, P. (2021). Examining the causal model of marital satisfaction based on attachment styles with the mediating role of triangulation. *Journal of health*, 12(1), 37-49. <http://healthjournal.arums.ac.ir/article-1-2358-en.html>
- Billedo, C. J., Kerkhof, P., & Finkenauer, C. (2020). Facebook intensity, social network support, stability and satisfaction in long-distance and geographically-close romantic relationships: A test of a mediation model. *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research in Cyberspace*, 14(2), 5. <https://doi.org/10.5817/CP2020-2-5>
- Campbell, K., Wright, D. W., & Flores, C. G. (2012). Newlywed women's marital expectations: lifelong monogamy?. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53(2), 108-125. <https://doi.org/10.1080/10502556.2012.651966>
- Colaizzi, P. F. (1978) Psychological research as a phenomenologist view it. In: Valle, R.S. and King, M. (Eds.), *Existential-phenomenological alternatives for psychology*. New York: Oxford University Press.
- David, P., & Stafford, L. (2013). A relational approach to religion and spirituality in marriage: The role of couples' religious communication in marital satisfaction. *Journal of Family Issues*, 36(2), 232-249. <https://doi.org/10.1177/0192513x13485922>
- Dowling, M. (2007). From husserl to van manen. A review of different phenomenological approaches. *International Journal of Nursing Studies*, 44(1), 131-142. <https://doi.org/10.1016/j.ijnurstu.2005.11.026>
- Dutta, R. R., Wu, A. T., Picton, B., Shah, S., Chernyak, M., Bauer, K., Solomon, S., Chang, J., Nguyen, B., Jiang, M., & Hurria, A. (2024). Physician marriage survey reveals sex and specialty differences in marital satisfaction factors. *Scientific Reports*, 14(1). <https://doi.org/10.1038/s41598-024-55437-3>
- Fivecoat, H. C., Tomlinson, J. M., Aron, A., & Caprariello, P. A. (2014). Partner support for individual self-expansion opportunities. *Journal of Social and Personal Relationships*, 32(3), 368-385. <https://doi.org/10.1177/0265407514533767>
- Ghezelsefloo, M., Jazayeri, R., Bahrami, F., & Mohammadi, R. (2016). Relationship between original family health and self-compassion with marital commitment. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 26(139), 137-148. <http://jmums.mazums.ac.ir/article-1-8163-en.html>
- Hatami Varzaneh, A., Esmaeily, M., & Borjali, A. (2017). Long term satisfied marriage model: A grounded theory study. *Family Counseling and Psychotherapy*, 6(1), 120-149. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22516654.1395.6.1.7.0>
- Hinkelmann, F. (2022). Marriage and family in different cultures throughout history-a historical overview. *SCIENTIA MORALITAS International Journal of Multidisciplinary Research*, 7(1), 145-167. <https://www.scientiamoralitas.com/index.php/sm/article/view/123>

- Howell, P. (2023). Marital status influence on satisfaction/happiness. In F. Maggino (Eds.), *Encyclopedia of quality of life and well-being research*. Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-17299-1_1730
- Huang, Y., & Ma, Y. (2024). Climate change and divorce behavior: Implication for family education. *Innovation and Green Development*, 3(1), 100115. <https://doi.org/10.1016/j.igd.2023.100115>
- Imanzadeh, V., Moheb, N., Abdi, R., & Honarmand Azimi, M. (2021). Identifying effective factors on divorce and providing a model for divorce prediction using modelling of a data mining decision tree. *Journal of Applied Psychological Research*, 12(2), 247-263. <https://doi.org/10.22059/japr.2021.308375.643607>
- Jomenia, S., Nazariy, A., & Solimanian, A. (2021). Identifying the indicators of the problems of couples seeking a divorce in Torkaman city. *Journal of Applied Family Therapy*, 2(3), 170-195. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27172430.1400.2.3.9.4>
- Kahrizeh, M., Saberi, M., & Bashirgonbadi, S. (2020). Effect of spiritual-religious interventions on anxiety, depression, and adjustment to parental divorce in female high school students. *Health Spiritual Med Ethics*, 7(2), 2-8. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23224304.2020.7.2.6.4>
- Khodadadi Sangdeh, J., Nazari, A. M., Ahmadi, K., & Hasani, J. (2014). Identifying indices of successful marriage: A discovering and qualitative research. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 13(25), 9-24. https://faslname.msy.gov.ir/article_53.html?lang=en
- Koraei, A., Khojaste Mehr, R., Sodani, M., & Aslani, K. (2017). Identification of the factors contributing to satisfying stable marriages in women. *Family Counseling and Psychotherapy*, 6(2), 129-164. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516654.1395.6.2.7.2>
- Kuru Sönmez, Ö., & Yakut, E. (2024). Determination of the factors affecting divorce in türkiye according to gender: A research with tuik data. *Sosyo Ekonomi*, 32(59), 105-127. <https://doi.org/10.17233/sosyoekonomi.2024.01.05>
- Leung, L. (2015). Validity, reliability, and generalizability in qualitative research. *Journal of Family Medicine and Primary Care*, 4(3), 324. <https://doi.org/10.4103/2249-4863.161306>
- Miller, P. J. E., Caughlin, J. P., & Huston, T. L. (2003). Trait expressiveness and marital satisfaction: the role of idealization processes. *Journal of Marriage and the Family*, 65(4), 978-995. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2003.00978.x>
- Nindyasari, Y., & Herawati, T. (2018). The relation of emotional maturity, family interaction and marital satisfaction of early age married couples. *Journal of Family Sciences*, 3(2), 16-29. <https://journal.ipb.ac.id/index.php/jfs/article/view/25446>
- Rajaei Ghazilou, D., Shariatmadar, A., & Farrokhi, N. (2021). Life satisfaction and marital satisfaction based on lived experiences of working and housewives: A phenomenological study. *Quarterly of Applied Psychology*, 15(1), 95-115. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20084331.1400.15.1.5.0>
- Rotz, D. (2015). Why have divorce rates fallen? The role of womens age at marriage. ~ *The Journal of Human Resources*, 51(4), 961-1002. <https://doi.org/10.3368/jhr.51.4.0214-6224r>
- Salimi, H., Javdan, M., Zarei, E., & Najarpourian, S. (2019). The health of marital relationship in the light of factors affecting the stability and satisfaction of the relationship: A review study. *Journal of Education and Community Health*, 6(3), 183-192. <https://doi.org/10.29252/jech.6.3.183>
- Salvatore, J. E., Ohlsson, H., Sundquist, J., Sundquist, K., & Kendler, K. S. (2024). family genetic-risk profiles associated with divorce. *Clinical Psychological Science*. <https://doi.org/10.1177/21677026231214204>
- Slatcher, R. B., & Schoebi, D. (2017). Protective processes underlying the links between marital quality and physical health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 148-152. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.09.002>
- Tumin, D. (2017). Does marriage protect health? A birth cohort comparison. *Social Science Quarterly*, 99(2), 626-643. <https://doi.org/10.1111/ssqu.12425>
- Walsh, F. (2006). *Strengthening family resilience*. New York: Guilford Press.
- Wang, Y., Haslam, M., Yu, M., Ding, J., Lu, Q., & Pan, F. (2015). Family functioning, marital quality and social support in Chinese patients with epilepsy. *Health and Quality of Life Outcomes*, 13(1). <https://doi.org/10.1186/s12955-015-0208-6>
- Wilson, A. (2015). A guide to phenomenological research. *Nursing Standard*, 29(34), 38-43. <https://doi.org/10.7748/ns.29.34.38.e8821>
- Yoo, G., & Joo, S. (2022). Love for a marriage story: The association between love and marital satisfaction in middle adulthood. *Journal of Child and Family Studies*, 31(6), 1570-1581. <https://doi.org/10.1007/s10826-021-02055-6>